فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه

دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۶۸ تا ۹۲

https://www.jasd.ir

eISSN: 3115-7955

Research-Quantitative

Investigating the impact of the culture of poverty on sustainable social development (case study of urban households aged 30-50 in Kahnouj city)

Ruhollah Cheraghpour

Department of Sociology, Kahnouj Branch, Islamic Azad University, Kahnouj, Iran.

Receive:
05 April 2026
Revise:
19 May 2026
Accept:
***29** May 2026*

Keywords:
Culture of poverty, sustainable social development, urban households, Kahnouj city.

Abstract

Objective: This study was conducted to investigate the effect of poverty culture on sustainable social development among urban households aged (30-50 years) in Kahnouj city in 1404.

Method: The method of the present study was a descriptive correlational survey. The statistical population of the study included all urban households aged (30-50 years) in Kahnouj city in 1404, which according to the Kerman Provincial Statistics Center is 22,497 people, of which 378 people were selected as the sample size using a 3-stage quota, cluster and simple random sampling method and according to the Cochran formula. In order to collect data, two poverty culture questionnaires from the perspective of Basatian (2011) and the sustainable social development questionnaire from the perspective of Mokhtari Malekabadi et al. (2014) were used. The Culture of Poverty Questionnaire with 15 questions and validity and reliability of 0.89 and 0.91 respectively, and the Sustainable Social Development Questionnaire with 40 questions and validity and reliability of 0.88 and 0.90 respectively were used. All statistical analyses were performed using SPSS and PLS computer software.

Findings: The results of data analysis show that the culture of poverty has a significant impact on sustainable social development in Kahnouj city.

Conclusion: In an environment where cultural poverty prevails, people go beyond the normal limits of their lives and move towards negative luxury, which results in the promotion of chaos, the growth of economic, social and cultural disasters, and as a result, the lack of sustainable social development.

Please cite this article as (APA): Cheraghpour, R. (2026). Investigating the impact of the culture of poverty on sustainable social development (case study of urban households aged 30-50 in Kahnouj city). *Approaches in sociology and development,* 2(1), 68-92.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.588647.1030

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

Publisher: Raz Nahan Publishing (RN.PUB)

Corresponding Author: Ruhollah Cheraghpour **Email:** rcheraghpoor1447@yahoo.com

فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه
Journal of Approaches in Sociology and Development
https://www.jasd.ir
دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۶۸ تا ۹۲
پژوهشی - کمی
eISSN: 3115-7955

بررسی تأثیر فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی (مورد مطالعه خانوارهای شهری سنین ۳۰–۵۰ سال شهر کهنوج)

روح الله چراغپور

گروه جامعه شناسی، واحد کهنوج، دانشگاه آزاد اسلامی، کهنوج، ایران.

تاریخ دریافت:
۱۶ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری:
۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش:
۰۸ خرداد ۱۴۰۵

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف بررسی تأثیر فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در بین خانوارهای شهری سنین (۳۰–۵۰ سال) شهر کهنوج در سال ۱۴۰۴ انجام گرفت.

روش: روش پژوهش حاضر توصیفی پیمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خانوارهای شهری سنین (۳۰–۵۰ سال) شهر کهنوج در سال ۱۴۰۴ که بنابر اعلام مرکز آمار استان کرمان ۲۲۴۹۷ نفر می باشد که از این تعداد ۳۷۸ نفر به صورت روش نمونه گیری ۳ مرحله ای سهمیه ای، خوشه ای و تصادفی ساده و طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه فرهنگ فقر از دیدگاه بساطیان (۱۳۹۰)، و پرسشنامه توسعه پایدار اجتماعی از دیدگاه مختاری ملک آبادی و همکاران (۱۳۹۳) استفاده گردیده است. پرسشنامه فرهنگ فقر با ۱۵ سوال و روایی و پایایی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۱، و پرسشنامه توسعه پایدار اجتماعی با ۴۰ سوال و روایی و پایایی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۹۰ استفاده گردیده است. تمام تجزیه و تحلیل‌های آماری از طریق نرم‌افزارهای کامپیوتری SPSS و PLS انجام گرفته است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد.

نتیجه‌گیری: در محیطی که فقر فرهنگی در آن حاکم است افراد از حد متعارف زندگی خود خارج و به سمت تجمل گرایی منفی حرکت می کنند که نتیجه آن ترویج هرج و مرج، رشد آفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه عدم توسعه پایدار اجتماعی است.

کلید واژه‌ها:
فرهنگ فقر،
توسعه پایدار اجتماعی،
خانوارهای شهری،
شهر کهنوج.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): چراغپور، روح الله. (۱۴۰۵). بررسی تأثیر فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی (مورد مطالعه خانوارهای شهری سنین ۳۰–۵۰ سال شهر کهنوج). *فصلنامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه*، ۲(۱)، ۶۸–۹۲.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.588647.1030

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ناشر: انتشارات راز نهان

ایمیل: rcheraghpoor1447@yahoo.com
نویسنده مسئول: روح الله چراغپور

مقدمه

امروزه انسان، محور اصلی توسعه است و توجه به نیازهای اساسی وی و بهره مندی از ابعاد توسعه یک حق مسلم در قوانین بین‌الملل محسوب می‌شود (عطائی کاریزی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۶). طی سال‌های اخیر، با اوج گرفتن بحث‌هایی که لزوم نیل به توسعه پایدار اجتماعی را نیاز ضرورت جامعه امروز می‌دانند، ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی نیز جز لاینفک این فرآیند تعریف شده است، بنابراین رهایی از فقر صرفا جنبه بشر دوستانه ندارد، بلکه رها شدن از فقر یک حق مسلم در قوانین بین المللی است (مونتلا و همکاران[1]،۲۰۲۲: ۱۳۳). توسعه پایدار اجتماعی[2] به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه، فراگیر و با رفاه برای همه است و یکی از اهداف اصلی آن کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی است (میرزاحسین و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۳). در حال حاضر فرهنگ فقر، به عنوان یکی از جنبه های مهم توسعه پایدار جهانی است و ریشه کن کردن فرهنگ فقر در همه اشکال و ابعاد آن یک چالش مهم جهانی و یکی از اولویت‌های اصلی سازمان ملل است (جلیلیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷). فرهنگ فقر، پدیده پیچیده‌ای است که باعث تضعیف توسعه پایدار اجتماعی شده و تغییرات سیستمی و سیاست‌های توسعه پایدار اجتماعی، نیازمند تجدید عهد و رفع مشکل بسیاری است که ماهیت فرهنگ فقر برای مسکن، محیط زیست طبیعی، بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی، معیشت و نیازهای خاص گروه های آسیب‌پذیر ایجاد می کند (امینی و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۲۷). حرکت به سمت یک مسیر توسعه پایدار، تنها به مدیریت بهتر اقتصاد و محیط زیست خلاصه نمی شود، بلکه داشتن شرایط مطلوب اقتصادی- اجتماعی برای تضمین پایداری فعالیت‌های کوتاه مدت و بلندمدت لازم است و تا زمانی که در بحث توسعه پایدار اجتماعی جوامع، مسئله فقرزدایی فرهنگی و احیاء دوباره فرصت‌های برابری طبقاتی را نادیده گرفت، نمی توان به یک پایداری طولانی مدت امیدوار بود (طهماسب نیا و دهقان منگابادی، ۱۴۰۳: ۴). مفهوم صحیح توسعه پایدار اجتماعی یک اطمینان و تضمین از کیفیت رضایت بخش زندگی را برای هر کس به دنبال دارد (صداقت، ۱۴۰۴: ۳۱۰). البته در برخورد با این موضوع فقط کاهش میزان فعالیت های آلوده کننده و جلوگیری از افزایش سطح مصرف کافی نیست بلکه ایجاد فعالیت با برنامه‌ریزی مناسب برای کاهش فقر و موفقیت در رسیدن به عدالت بیشتر و تقویت فرصت ها در داخل و خارج کشورها نیز لازم می‌باشد (قاسمی گیلوائی و قربانی پارام، ۱۴۰۴: ۴۱۰). وجود فقر و نابرابری در جوامع بشری پدیده طبیعی نیست، بلکه محصول نوع روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن است که موجب دسترسی و توزیع نابرابر منابع و امکانات می‌شود (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۳۵). افراد فقیر کسانی هستند که در تامین حداقل نیازها و بهره‌گیری از خدمات زیربنایی عمومی و رفاهی، اجتماعی و اقتصادی در معرض محرومیت‌های نسبی یا مطلق قرار دارند. هر چند اعمال سیاست‌های مستقیم در جهت کاهش فقر نقش مهمی در توسعه پایدار اجتماعی ایفا می‌کند؛ اما بدون داشتن رشد پایدار در تولید سرانه و ایجاد اشتغال کافی، موفقیت در اجرای سیاست کاهش فقر دور از انتظار است

[1] - Montella & etal
[2] - Sustainable social development

(باشکوه آجرلو و آذربایجانی،۲۰۲۳: ۷۷). فقر مفهومی پویا، سیال و درحال تغییر است و تابعی از الگوی مصرف، پویایی اجتماعی و تغییرات فناوری محسوب می‌شود و مسئله‌ای تابع زمان و اوضاع اجتماعی است که می‌تواند به عنوان یک معضل، توسعه پایدار اجتماعی جوامع را با چالش‌ها و مشکلات جدی مواجه کند (آذری و همکاران،۱۴۰۳: ۱۳۴). وبر[1] و نظریه پردازان نوسازی معتقدند که ارزش‌های فرهنگی می‌توانند بر موفقیت اقتصادی و برونرفت فقر از وضعیت موجود اثرگذار باشند. برخی متفکران فقر را وضعیتی اختیاری تعریف می‌کنند که در آن، فرد خود خواهان داشتن برخی رفتارها، آرزوها، روحیات و اخلاقی خاص است (گورانی[2]، ۲۰۲۴: ۹۸). فقر در مذهب هایی مانند بودایی و مذهب هندی عنصری ضروری تعریف می شود؛ یعنی افراد خود را از لذت های دنیای مادی کنار می کشند و ریاضت پیشه می‌کنند و داشتن ثروت و درگیری در فعالیت های اقتصادی را مذموم می شمارند (زندی و وطن پرست، ۱۴۰۳: ۴۷). از دیدگاه کارکردگرایان، فقر در باورهای اجتماعی و فرهنگی جامعه ریشه دارد. به هر حال، فقر پایدار با فقدان دانش و آگاهی اجتماعی، بهداشت ضعیف، شیوع بی اعتنایی اجتماعی، تضعیف صداقت و صمیمیت، و از بین رفتن اعتماد اجتماعی و وابستگی به یاری دیگران ارتباط معنی داری دارد. این مجموعه نوعی تلهٔ فقر ایجاد می‌کند (قاسمی و صالح پور، ۱۴۰۴: ۴۷). از دیدگاه اندیشمندان، فرهنگ فقر از منابع مختلفی نشئت می‌گیرد. ازجمله وابستگی به دیگران، ضعف سرمایهٔ اقتصادی، فقدان ارتباط اجتماعی قوی، بدبینی به دیگران، و بی عدالتی اجتماعی (شیتو و همکاران[3]، ۲۰۲۱: ۲۲۹). فقر تاریخی خانواده یا ارثی بودن آن، امید اجتماعی فرد فقیر را در برابر تغییر، دچار فرسایش می‌کند. فقدان تحصیلات، محدودیت حضور در جامعه و کاهش فعالیت مدنی می‌تواند فرهنگ فقر را تقویت کند (باهران، ۱۴۰۴ :۲۶). در اصل، فرهنگ فقر شکلی از انزوای اجتماعی و فقدان همبستگی با گروه‌های اجتماعی است. تلاش برای کسب استقلال و خودمختاری (فقدان وابستگی به دیگران)، اعتقاد به کارآیی و خلاقیت درونی، و اعتماد به توانایی خود در برون‌رفت از فرهنگ فقر تأثیر دارد و حضور در شبکه‌های اجتماعی، کسب بینش قوی و بزرگ دربارهٔ خود، می‌تواند به از میان رفتن فرهنگ فقر و در نتیجه توسعه پایدار اجتماعی کمک کند (جباری و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۶). از دیدگاه جامعه شناسان، فرهنگ فقر، منجر به محدودیت در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و همچنین توسعه پایدار اجتماعی شده و زمینه احساس ناکامی و حقارت را در افراد ایجاد می‌نماید (موسوی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۰). فرهنگ فقر موجب فقدان آگاهی اجتماعی، انزوای از اجتماع، داشتن احساس حقارت و ناامیدی نسبت آینده می شود، در این حالت، فقرا، غیر از اینکه از بعد اقتصادی در رنج هستند، بار نگاه گروهی را بر دوش دارند که آنها را با انگ‌های مختلف، طردکردن، فخرفروشی، طعنه زدن و استثمار در کارهای سخت ساختمانی و کشاورزی به رنج و عذاب روحی دچار می‌کند (شیائو و همکاران[4]، ۲۰۲۲: ۱۴۷). نظریه فقر براین فرض استوار شده که فقرا و ثروتمندان از الگوهای

[1] - Weber
[2] - Gourani
[3] - Shittu & etal
[4] - Xiao & etal

ارزشی باورها و نُرم های رفتاری متفاوت برخوردارند. بر اساس نظریه مذکور علّت فقرِ فقرا رفتارهای معیّنی است که آن‌ها در ارتباط با فقر یاد می گیرند. لوئیس معتقد است که فقرا سخت مطالعه کردن و طرح ریزی برای آینده را یاد نمی‌گیرند و در مقابل رفتارهای جنسی پر خطر و غیر عقلائی پول خرج می کنند (هو و همکاران[1]، ۲۰۲۲: ۴). به عقیده او، فرهنگِ فقر نسل به نسل منتقل می شود. چرا که جوانان از همان سنین اولیه می آموزند که آرزوی زندگی بهتر و خواستن چیزهای بیشتر، کاملاً بیهوده است. در عوض آن‌ها با روحیه تقدیرگرایانه تسلیم زندگی فقیرانه خود می‌شوند و همین روحیه و تفکر فرهنگ فقر در بین فقرا است که توسعه پایدار اجتماعی جوامع را به خطر می اندازد (منصوری، ۱۴۰۳: ۱۷۳). فرهنگ فقر به مرور زمان بر جامعه فقر حاکم می شود و از نسلی به نسل دیگر تداوم می یابد و در صورتی که در جامعه و ذهنیت افراد ساکن در آن ریشه بدواند، حتی پس از کسب موفقیت های بیرونی در جهت رفع فقر مدت ها به حیات خود ادامه داده و مانعی پایدار درجهت دستیابی به مراحل بالاتر توسعه اقتصادی- اجتماعی بدل می‌شود. در حالی‌که توسعه اقتصادی پایدار جهت کاهش دائمی فقر ضروری است و کاهش مداوم فقر جهت تضمین توسعه پایدار اجتماعی لازم است (آذری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۲). از منظر نظریه‌های توسعه، فقر گسترده موجب شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب می‌شود. دولت برای مقابله با فشارهای اجتماعی، ناگزیر دست به سیاست‌های کوتاه‌مدت حمایتی می‌زند، اما این سیاست‌ها در نبود زیرساخت‌های تولیدی و اشتغال‌زا، صرفا مصرفی هستند و منابع ملی را کاهش می‌دهند. نتیجه آن، رشد نقدینگی و تورم بیشتر است؛ تورمی که خود دوباره فقر را تشدید می‌کند. به این ترتیب، فقر نه تنها نتیجه ضعف توسعه پایدار اجتماعی است، بلکه مانعی فعال در برابر تحقق آن به شمار می‌آید (اکبری و لطفی خاچکی، ۱۴۰۳: ۲۶۷). جنوب استان کرمان به ویژه شهر کهنوج از محروم‌ترین مناطق کشور است که سالیان درازی است طوق فقر را بر گردن انداخته است، خشکسالی، وجود ریزگردها، نبود امکانات و شرایط فعلی اقتصادی کشور مبتلایان به فقر در این منطقه را در وضعیتی حادتر از گذشته قرار داده است. شهر کهنوج از محرومیت مزمن رنج می برد که بخشی از این محرومیت به دلیل فقر فرهنگی و بخشی هم بواسطه فقر اقتصادی است که توسعه پایدار اجتماعی در این شهر را با خطر جدی مواجه کرده است (پایگاه گلدشت کرمان، ۱۴۰۴). شهر کهنوج در استان کرمان دارای پتانسیل‌های فراوانی در زمینه‌های کشاورزی، معدن، گردشگری و صنایع تبدیلی است. این شهر به عنوان یکی از قطب‌های کشاورزی کشور با تولید محصولات استراتژیک مانند گندم، جو، مرکبات و خرما شناخته می‌شود. همچنین معادن غنی کرومیت، تیتانیوم، آهن، مس، طلا و منگنز در این منطقه وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه صنایع معدنی باشد. علاوه بر این، کهنوج با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود و نزدیکی به استان‌های همجوار، ظرفیت بالایی برای توسعه گردشگری و ایجاد اشتغال در صنایع تبدیلی دارد به همین دلیل توجه به فرهنگ فقر در این شهر

[1] - Hu & etal

زمینه ساز توسعه پایدار اجتماعی است. از اینرو در این تحقیق محقق به دنبال بررسی این سوال است که آیا فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد؟

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌های جامعه‌شناختی فقر به بررسی علل و پیامدهای فقر از زوایای مختلف می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا درک عمیق‌تری از این پدیده پیچیده را ارائه دهند. این نظریه‌ها معمولاً به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نظریه‌های ساختاری، نظریه‌های فردی، و نظریه‌های انتقادی.

نظریه‌های ساختاری: بررسی عوامل کلان نظریه‌های ساختاری به بررسی عوامل کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازند که بر فقر تاثیر دارند. این نظریه‌ها بر این باورند که فقر نتیجه‌ای از نابرابری‌های ساختاری در جامعه است و به عوامل بیرونی مانند سیاست‌های اقتصادی، نهادهای اجتماعی و سیستم‌های طبقاتی توجه می‌کنند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۲).

نظام اقتصادی: نظریه‌های ساختاری به تحلیل تاثیر سیستم‌های اقتصادی، مانند سرمایه‌داری و سوسیالیسم، بر توزیع ثروت و فقر می‌پردازند. به‌عنوان مثال، در نظام‌های سرمایه‌داری، نابرابری درآمدی می‌تواند به افزایش فقر منجر شود (عبدشاهی، ۱۴۰۵: ۸).

سیاست‌های اجتماعی: این نظریه‌ها به بررسی تاثیر سیاست‌های دولتی بر فقر می‌پردازند. سیاست‌های نابرابر اجتماعی و اقتصادی می‌توانند به تشدید فقر و نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند (رستگار، ۱۴۰۵: ۳۲۲).

ساختارهای اجتماعی: تأکید بر ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، نهادهای محلی و شبکه‌های اجتماعی که می‌توانند به افراد در مواجهه با فقر کمک کنند یا بر شدت آن بیفزایند.

نظریه‌های فردی: تاثیرات رفتار فردی و انتخاب‌ها نظریه‌های فردی بر این باورند که فقر نتیجه‌ای از انتخاب‌های فردی و رفتارهای شخصی است. این نظریه‌ها بر عوامل فردی مانند تلاش، انگیزه و تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند و معتقدند که افراد می‌توانند با انتخاب‌های صحیح، از فقر خارج شوند (غداری و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۸۳).

نظریه‌های انتقادی: تحلیل‌های مارکسیستی و فمینیستی نظریه‌های انتقادی به تحلیل‌های عمیق‌تری از فقر می‌پردازند و بر تأثیر نابرابری‌های قدرت و ساختارهای اجتماعی بر فقر تأکید دارند. این نظریه‌ها شامل دو رویکرد اصلی، یعنی نظریه‌های مارکسیستی و فمینیستی هستند.

نظریه‌های مارکسیستی: این نظریه‌ها فقر را به‌عنوان نتیجه‌ای از نابرابری‌های ساختاری در نظام سرمایه داری تحلیل می‌کنند. طبق این نظریه، طبقات حاکم به‌طور سیستماتیک منابع را در اختیار خود قرار می‌دهند و به تداوم فقر در

طبقات پایین‌دست کمک می‌کنند. این نظریه‌ها بر اهمیت تحلیل طبقاتی و درک روابط قدرت در جامعه تأکید دارند (اسکار و همکاران[1]، ۲۰۲۴: ۱۱۲).

نظریه‌های فمینیستی: این نظریه‌ها به تاثیر جنسیت بر فقر می‌پردازند و بر این باورند که فقر زنان به‌طور خاص به نابرابری‌های جنسیتی و ساختارهای اجتماعی مرتبط است. این نظریه‌ها به بررسی چگونگی تأثیرات فقر بر زنان، نقش‌های جنسیتی و دسترسی به منابع اقتصادی می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا صدای زنان را در مباحث مربوط به فقر و نابرابری به گوش برسانند (جنسر و همکاران[2]، ۲۰۲۳: ۷۲).

لوئیس اسکار[3] (۱۹۶۶) فرهنگ فقر را بیشتر به عنوان «خرده فرهنگ فقر» با ساخت و جهت خاص خود و نوعی روش زندگی معرفی کرده است که نسل به نسل به افراد منتقل می‌شود. طبق نظر لوئیس، «فرهنگ فقر» در میان ملت های امروزی تنها منعکس‌کننده وجود محرومیتهای اقتصادی، نابسامانی اجتماعی یا فقدان یک چیز یا یک حالت خاص نیست، بلکه علاوه بر اینها، وضعیت و حالت مثبتی نیز هست که سودمندی هائی دربردارد و بدون آن شخص فقیر به سختی می‌تواند در شرایطی که برای او وجود دارد به زندگی ادامه دهد» (رضایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۹).

به تعبیر لوئیس، در حقیقت فقرا شیوه زندگی و خرده فرهنگ خاص خود را دارند. درواقع، او فقر را دارای ساخت و مکانیسمی عقلایی با شیوه زندگی پابرجایی که از نسلی به نسل دیگری سپرده شده، معرفی می‌کند. این محقق معتقد است فقر فقط جنبه سلبی ندارد و در واقع تنها به معنای محرومیت اقتصادی نیست؛ بلکه فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارهاست که خصلت سازگارکننده نیز دارد. نکته مهم‌تر این که نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث برده و آن را باز تولید می‌کنند که درواقع، این همان بحثی است که اینگلهارت به شکل دیگری در مورد فرآیند جامعه‌پذیری مطرح می‌کند. به اعتقاد لوئیس، فرهنگ فقر فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به‌وجود آمده است. فرهنگ فقرا از یک طرف عدم برخورداری از امکانات و زیستن در شرایط فقیرانه بوده و از سوی دیگر، محصول زندگی در جوار فضایی است که شما در آن شرایط زندگی مرفهانه را هم می‌بینید. به بیان دیگر، اسکار لوئیس توضیح می‌دهد که پیدایش خرده فرهنگ فقر زمینه‌های اجتماعی و تاریخی داشته است که از جمله آنها از هم پاشیده شدن نظام اقتصادی - اجتماعی و طبقاتی و جایگزین شدن آن با نظامی دیگر، فتوحات امپریالیستی و تداوم نظام بردگی، فروپاشیده شدن نظام‌های قبیله‌ای و مهاجرت به شهرها است (ناصر و همکاران[4]، ۲۰۲۵: ۶۳).

در نظریه فرهنگ فقر، اسکارلوئیس، تلاش کرده است تا فقر و ویژگی های آن را در قالب یک خرده فرهنگ خاص تصویر کند. از نظر وی، شرایط معیشتی را نمی‌توان تعیین کننده اصلی رفتار و ارزش های قشرهای فقیر دانست؛ بلکه

[1] - Skare & etal
[2] - Gencer & etal
[3] - Lewis, Oscar
[4] - Naseer & etal

رفتار این سنخ افراد را باید واکنشی به حساب آورد که در برخی اوضاع و احوال خاص اجتماعی از لحاظ فرهنگی تکامل می‌یابد، و بر همین اساس است که پدیده فقر را نمی‌توان صرفاً به معنای وجود محرومیت‌های اقتصادی، نابسامانی اجتماعی یا فقدان برخی مزیت‌های دیگر دانست (فکور و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۰۶). او حدود هفتاد ویژگی اجتماعی، اقتصادی و روانی را برای این فرهنگ با روش زندگی بر می‌شمرد؛ و مدعی است نوعی ارتباط تنگاتنگ و متقابل بین این ویژگی ها وجود دارد. ویژگی‌های روانی‌ای که این فرهنگ در اعضای خویش به ودیعه می‌نهد را مواردی از جمله موارد زیر می‌داند: احساس شدید محرومیت، بی‌ارجی، بی‌اعتباری، درماندگی، نیاز به اتکاء به دیگران، اعتماد به نفس پایین، ساخت ضعیف «من»، سرگردانی در شناخت جنسیت، ناتوانی در فروخوردن خشم و دیگر احساسات آنی که از یک سو شکل گیری رفتارهایی مانند ایجاد محدودیت برای خود و گوشه‌گیری را در افراد در پی دارد؛ و از سوی دیگر نیز سبب می‌شود که بتوان این خرده فرهنگ را با شاخص های رفتاری‌ای از جمله شاخص های زیر تعریف کرد (حسین زاده یزدی و ملاباشی، ۱۴۰۲: ۸).

تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت دادن به نیازهای جسمی، بی‌قیدی و بی‌بند و باری نسبت به تربیت فرزندان و آموزشهای رسمی، غیرکلامی بودن در تربیت کودکان، برخورداری از واژگان محدود و تحریک آمیز؛ بندهٔ لحظه‌ها بودن و به تعویق نینداختن خوشی‌های لحظه‌ای، بی‌تفاوت بودن نسبت به وضعیت آینده و نیز کمبودها و نواقص محیطی و... . در ابعاد اقتصادی نیز لوئیس یادآور می‌شود که وجود عناصری مانند دستمزد کم، نداشتن کار دائمی، نداشتن پس‌انداز و امثال آن، پیامدهایی مانند ذخیره غذایی کم، بیماری‌های مزمن و طولانی، رشد کافی نداشتن استخوان ها و ورود زود هنگام در بازار کار را به دنبال می‌آورد؛ و در عین حال سبب می‌شود که این افراد از طریق توسل به وام های با بهره سنگین، گروگذاشتن وسایل و لوازم شخصی، خرید لباسهای و وسایل کهنه و مانند آن زندگی خود را بگذرانند؛ و همین امر پیوسته سبب می‌شود که سطح تولید آنان پایین باشد؛ سواد و سرمایه نداشته باشند؛ در سندیکاهای کارگری (البته اگر وجود داشته باشد) مشارکت نکنند و در تعبیری کلی، در «نظام اقتصادی» جایگاهی برای خود نیابند. در ابعاد اجتماعی نیز همین نبود توانایی مالی، در جمع با عللی از جمله پیش‌داوریهای موجود درباره قشرهای فقیر، تبعیض و مانند آن، زمینه مشارکت این افراد در موسسات عمومی، گروه‌های اجتماعی و احزاب را با عنوان یک عضو سالم و موثر از بین می‌برد؛ و در مواردی نیز سبب حاشیه‌نشینی آنان می‌گردد (سابیل و همکاران[1]، ۲۰۲۲: ۶).

بدبینی اعضای این خرده فرهنگ نسبت به نهادهای طبقه حاکم و روحیه بی‌اعتمادی و نفرت از صاحبان و دست‌اندرکاران قدرت، در عین آگاهی از ارزش های طبقه متوسط و حتی احساس تعلق بدان و همچنین نومیدی از کسب توفیق در نظام اجتماعی موجود هم به گفته لوئیس، سبب ایجاد روحیه پرخاشگری در این افراد می‌شود؛ و این

[1] - Sabil & etal

ویژگی نیز آنان را آلت دست نخبگان سیاسی می‌سازد. از سوی دیگر، وجود همین ویژگیها سبب قرارگرفتن این افراد در نوعی وضعیت بی‌هنجاری اجتماعی و آنومی می‌شود که پیامدهای خود را حتی در ابعاد متفاوت رفتارهای جنسی، پیوندهای خانوادگی و... به روشنی جلوه‌گر می‌سازد؛ ویژگیهایی که معمولاً از پیش‌زمینه های شکل‌گیری رفتار کجروانه به حساب می‌آید؛ و آمادگی های لازم برای ارتکاب به رفتارهای کجروانه را در افراد ایجاد می‌کند (ارهارد[1]، ۲۰۲۴: ۸).

نظریه فرهنگ فقر بر این اصل استوار است که ما چگونه نظام نابرابریِ به ارث رسیده از نیاکان خود را می پذیریم. فرهنگ تقریباً شامل توجیهاتی برای نابرابری است؛ یعنی اگر کسی سخت کار کند، به موقعیت بهتری می‌رسد. برگر استدلال می‌کند که وجود دو نوع ایدئولوژی به حفظ نابرابری کمک می کند ۱- ایدئولوژی‌ای که موقعیت طبقات مرفه را مشروع می‌کند و استدلال می‌کند که این افراد، به گونه ای برتر، شایسته تر، با استعدادتر و سخت کوشند و یا فرهنگ غنی تری دارند و به این دلیل به جایگاه والای اقتصادی رسیده اند. ۲- ایدئولوژی دیگری که فقر را نتیجهٔ گناه یا تنبلی فردی می‌داند، تأکید بر این دارد که رفتار خوب فقرا، سرانجام در زندگی پس از مرگ پاداش خواهد داشت و فقر نتیجهٔ عملکرد فکری و رفتاری خود افراد است. منظور از فقر فرهنگی نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده، منزلت اجتماعی پایین و احساس ناامنی در کنش متقابل اجتماعی است (بالاسوپرمانیان و همکاران[2]، ۲۰۲۲: ۱۰۹).

به زعم اسکار لوئیس، فرهنگ فقر حاصل ترکیب اجتماعی- اقتصادی و روانشناختی است که باعث بیکاری طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی و در نهایت، ازدست دادن اعتماد به نفس و بیگانگی از جامعه می‌شود. فرهنگ فقر می‌تواند به پدیده‌ای ارثی نیز تبدیل شود. بچه هایی که در خانواده های فقیر متولد می شوند، موقعیت بسیار دشواری برای تحرک اجتماعی، در مقایسه با کسانی که در خانوادهٔ مرفه متولد می شوند، خواهند داشت. خشونت اجتماعی، استبدادی بودن روابط، رقابت ناسالم بین طبقات و وابستگی به دیگران نیز به تداوم فرهنگ فقر کمک می‌کند (شکوهی فرد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۴).

این تحقیق با الهام گرفتن از نظریات جامعه شناسانه فرهنگ فقر شکل گرفته و سعی دارد با بررسی مؤلفه و شاخص‌های «تقدیرگرایی، بیگانگی اجتماعی، عدم آینده نگری، مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز، عدم سرزنش فقر» و تأثیر این شاخص‌ها بر توسعه پایدار اجتماعی به تحلیلی همه جانبه برسد.

[1]- Erhard
[2] - Balasubramanian & etal

پیشینه پژوهش

– حسین زاده یزدی و ملاباشی (۱۴۰۲) تحقیقی تحت عنوان روش‌شناسی پارادایمیک مقالات اثباتی فقر در ایران انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد ۱. نتایج از پیش معلوم و فقدان معرفت‌افزایی؛ ۲. فقدان پیش‌بینی و پیشنهاد و کنترل؛ ۳. فقدان سنجش بی‌طرفی ارزشی؛ ۴. بی‌توجهی به ملزومات نظریه‌باربودن مفاهیم، از جمله مولفه های این تحقیق هستند.

– رضایی و همکاران (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان مسأله شناسی فرهنگ فقر زنان در شهر کرمانشاه انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد پنج مؤلفهٔ اصلی فرهنگ فقر استخراج شدند که عبارت اند از: نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، بی‌تفاوتی خانوادگی، بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامیدی.

– رحمانی لشگری و همکاران (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محلات، مطالعه موردی: محلات منطقه ۸ شهر تهران انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد مشارکت اجتماعی شهروندان در محلات با ضریب (بتا) ۰/۷۳۲ بر توسعه پایدار اجتماعی این محلات تأثیر مثبت دارد و رابطه این دو متغیر با هم معنادار می‌باشد. به‌عبارتی دیگر با تقویت مشارکت اجتماعی توسعه پایدار اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. و متغیرهای حس تعلق به مکان، رضایت از محله، مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای و اعتماد نیز بر متغیر مشارکت اجتماعی در محلات اثرگذاری مثبتی دارند.

– طهماسب نیا و دهقان منگابادی (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان تبیین شاخص های تاثیرگذار بر توسعه پایدار اجتماعی با تاکید بر رویکرد خیابان‌های کامل انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد می‌توان شاخص‌های شناسایی‌شده را در گروه‌هایی شامل شاخص‌های کالبدی، ایمنی و امنیت، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دسته‌بندی نمود.

– قاسمی گیلوائی و قربانی پارام (۱۴۰۴) تحقیقی تحت عنوان الگوی برج سازی مبتنی بر توسعه پایدار اجتماعی و اثرات آن بر حفظ محیط زیست شهری تهران انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد به واسطه ازدیاد جمعیت، بلندمرتبه‌سازی شکل گرفت و به واسطه آن، مسائلی همچون استفاد بیش از حد از منابع طبیعی و سوخت فسیلی، تخریب طبیعت، کاهش تعاملات اجتماعی، تغییر اقلیم، ایجاد ترافیک، افزایش آلودگی هوا و غیره، به بحرانی عظیم و لاینحل تبدیل گشته است.

– دپوتری و سیام کاسافی[1] (۲۰۲۳) تحقیقی تحت عنوان راهکارهایی برای کاهش فقر فرهنگی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد متغیرهایی که تأثیر معناداری بر شکل‌گیری فقر فرهنگی دارند، متغیرهای جنسیت، سن، شغل، تحصیلات، جنبه‌های رضایت شغلی و درآمد، و متغیرهای تمایل به شرایط اقتصادی بهتر هستند. فقرا بر اساس فقر فرهنگی به سه خوشه تقسیم می‌شوند: الف) خوشه ۱، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان کمک و حمایت اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند؛ ب) خوشه ۲، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان برنامه‌های توانمندسازی جامعه طبقه‌بندی می‌شوند؛ ج) خوشه ۳، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان برنامه‌های توانمندسازی کسب و کارهای

[1] - Dwiputri & Syam Kusufi

خرد و کوچک طبقه‌بندی می‌شوند. در تلاش برای کاهش فقر فرهنگی، لازم است برنامه‌های مختلف کاهش فقر بر اساس خوشه‌ها انجام شود.

- لی و همکاران[1] (۲۰۲۴) تحقیقی تحت عنوان کاهش فقر فرهنگی پایدار مبتنی بر طراحی شناسایی دقیق و بهینه‌سازی منابع در مناطق روستایی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که مداخلات طراحی هدفمند، به ویژه آن‌هایی که از منابع بامبوی محلی استفاده می‌کنند، منجر به افزایش قابل توجه درآمد سرانه سالانه خانواده‌های شناسایی شده تقریباً ۱۷۶.۳۲٪، از ۳۱۴۶ یوان (تقریباً ۴۳۱ دلار آمریکا) به ۸۷۰۰ یوان (تقریباً ۱۱۹۲ دلار آمریکا) شده است. این رویکرد مبتنی بر طراحی، به طور مؤثر آگاهی نوآوری کشاورزان فقیر را تحریک کرده و نقش حیاتی استراتژی‌های طراحی پایدار را در تطبیق بهینه منابع با نیازهای فقرا نشان می‌دهد.

- ارهارد[2] (۲۰۲۴) تحقیقی تحت عنوان فرهنگ و فقر از منظر زیست‌جهان: احیای یک جفت مفهومی بحث‌برانگیز انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد که فقر را نباید به عنوان یک خرده فرهنگ خودانزوایی درک کرد. در عوض، افراد در فقر به شدت به طبقه متوسط غالب و مدل‌های زندگی آن گرایش دارند.

- امینی و همکاران (۲۰۲۴) تحقیقی تحت عنوان مدل توسعه اجتماعی پایدار مبتنی بر موانع فرهنگی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد عوامل فرهنگی به طور قابل توجهی بر توسعه نیافتگی شهر بشاگرد تأثیر می‌گذارند، همانطور که نتایج آزمون **t** نشان می‌دهد، اهمیت فرهنگ در توسعه پایدار و ارتقای عدالت اجتماعی به اندازه کافی قابل تأکید نیست (۸.۰۹). این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که فرهنگ عامل کلیدی در پیشرفت هر جامعه‌ای است. نادیده گرفتن یا دست کم گرفتن این عنصر اساسی می‌تواند منجر به شکست تمام تلاش‌های توسعه‌ای شود.

روش شناسی تحقیق

هدف از تحقیق حاضر توسعه دانش کاربردی در یک زمینه دانش خاص است و به قصد کاربرد نتایج یافته‌ها برای حل مشکلات خاص درون سازمان انجام می‌شود، بنابراین تحقیق حاضر از لحاظ هدف، تحقیق کاربردی و از نظر روش، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است که به شیوه تحقیقات میدانی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه خانوارهای شهری سنین (۳۰-۵۰ سال) ساکن شهر کهنوج در سال ۱۴۰۴ می باشند که بنابر اعلام مرکز آمار استان کرمان ۲۲۴۹۷ نفر می باشد که از این تعداد ۳۷۸ نفر به صورت روش نمونه‌گیری ۳ مرحله‌ای سهمیه ای، خوشه ای و تصادفی ساده و طبق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

[1] - Li & etal
[2] - Erhard

$$n=\frac{\frac{Z_{1-\frac{a}{2}}^{2}\times p\times q}{d^{2}}}{1+\left[\frac{1}{N}\left(\frac{Z_{1-\frac{a}{2}}^{2}\times p\times q}{d^{2}}-1\right)\right]}\Rightarrow n=\frac{(1/96)^{2}\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^{2}}}{1+\frac{1}{22497}(1/96)^{2}\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^{2}}-1}\cong 378$$

Z=1. 96: صدک نهصد و هفتاد و پنج هزارم در توزیع نرمال استاندارد.

P=0. 5 و q=1-p: نسبت واحدهای جامعه با یک ویژگی مورد نظر.

α=0. 05: خطای نوع اول.

d=0. 05: حداکثر خطای برآورد در نظر گرفته شده.

N=378: حجم جامعه.

در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است.

الف) پرسشنامه فرهنگ فقر از دیدگاه بساطیان (۱۳۹۰) که شامل ۱۵ سوال و با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، نه کم نه زیاد، زیاد و خیلی زیاد) می باشد.

ب) پرسشنامه توسعه پایدار اجتماعی از دیدگاه مختاری ملک آبادی و همکاران (۱۳۹۳) که شامل ۴۰ سوال و با طیف لیکرت ۵ گزینه ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) می باشد.

پرسشنامه فرهنگ فقر روایی و پایایی آن به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۱ و روایی و پایایی توسعه پایدار اجتماعی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۹۰ سنجیده شد.

در این پژوهش جهت داده‌های جمع‌آوری شده از دو روش آماری استفاده گردید:

- آمارهای توصیفی: انواع شاخص‌های آماری از جمله فراوانی، آمارهای توصیفی، انواع جداول و نمودارها.

- آمار استنباطی: قبل از آزمون فرضیه‌ها، نرمال بودن (توزیع طبیعی داشتن) متغیرهای مورد مطالعه توسط آزمون کولموگوروف ـ اسمیرنوف یک نمونه‌ای بررسی، آزمون همبستگی و آزمون تحلیل مسیر استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای کامپیوتری SPSS و PLS استفاده شد.

یافته‌ها

به دلیل نرمال بودن داده‌های پرسشنامه از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. در جدول (۱) نتایج همبستگی ارائه گردید. با توجه به جدول (۱) همبستگی تمام مؤلفه‌ها معنی‌دار می‌باشند.

جدول (۱): همبستگی مولفه های پژوهش

		افزایش آگاهی جامعه محلی	امنیت و رفاه اجتماعی	یگانگی اجتماعی	تقدیر گرایی	توسعه امکانات و خدمات	توسعه پایداری اجتماعی	رضایت جامعه محلی	عدم آینده نگری	علم سرزنش فقر	فرهنگ فقر	فرهنگ و سنن	مشارکت و همبستگی	مصرف گرایی و علم تمایل به پس انداز
افزایش آگاهی جامعه محلی	همبستگی	۱	.۵۲۲**	.۴۵۸**	.۳۵۶**	.۴۱۵**	.۵۶۷**	.۳۱۹**	.۶۲۲**	.۳۲۸**	.۲۶۹**	.۴۷۵**	.۳۹۲**	.۴۲۱**
	Sig. (۲-tailed)		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N		۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
امنیت و رفاه اجتماعی	همبستگی		۱	.۳۰۶**	.۲۵۷**	.۴۲۱**	.۳۶۹**	.۷۴۷**	.۶۳۶**	.۶۱۳**	.۴۵۲**	.۵۲۸**	.۴۹۱**	.۳۲۹**
	Sig. (۲-tailed)			۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N			۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
بیگانگی اجتماعی	همبستگی			۱	.۳۱۷**	.۳۸۵**	.۲۱۹**	.۳۱۲**	.۲۹۸**	.۵۵۰**	.۴۱۸**	.۴۶۲**	.۲۸۵**	.۳۱۹**
	Sig. (۲-tailed)				۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N				۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
تقدیرگرایی	همبستگی				۱	.۲۶۷**	.۲۰۷**	.۳۵۴**	.۴۱۵**	.۲۵۵**	.۳۲۸**	.۲۶۴**	.۳۸۵**	.۴۹۵**
	Sig. (۲-tailed)					۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N					۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
توسعه امکانات و خدمات	همبستگی					۱	.۳۱۹**	.۳۰۵**	.۴۶۵**	.۳۱۲**	.۴۱۷**	.۳۶۵**	.۴۷۷**	.۴۹۸**
	Sig. (۲-tailed)						۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N						۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
توسعه پایداری اجتماعی	همبستگی						۱	.۲۶۴**	.۳۰۵**	.۳۹۸**	.۴۵۱**	.۴۱۸**	.۵۹۸**	.۵۱۳**
	Sig. (۲-tailed)							۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N							۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
رضایت جامعه محلی	همبستگی							۱	.۸۳۷**	.۵۲۱**	.۴۵۶**	.۳۲۵**	.۳۵۶**	.۴۱۹**
	Sig. (۲-tailed)								۰	۰	۰	۰	۰	۰
	N								۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
عدم آینده نگری	همبستگی								۱	.۳۷۶**	.۴۱۷**	.۲۹۶**	.۵۲۷**	.۴۱۱**
	Sig. (۲-tailed)									۰	۰	۰	۰	۰

		افزایش آگاهی جامعه محلی	امنیت و رفاه اجتماعی	بیگانگی اجتماعی	تقدیر گرایی	توسعه امکانات و خدمات	توسعه پایداری اجتماعی	رضایت جامعه محلی	عدم آینده نگری	عدم سرزنش فقر	فرهنگ فقر	فرهنگ و سنن	مشارکت و همبستگی	مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز
	N									۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
عدم سرزنش فقر	همبستگی									۱	۳۶۹.**	۵۶۲.**	۳۲۸.**	۵۶۴.**
	Sig. (۲-tailed)										۰	۰	۰	۰
	N										۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
فرهنگ فقر	همبستگی										۱	۴۱۷.**	۴۱۹.**	۵۳۶.**
	Sig. (۲-tailed)											۰	۰	۰
	N											۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
فرهنگ و سنن	همبستگی											۱	۴۳۸.**	۳۲۸.**
	Sig. (۲-tailed)												۰	۰
	N												۳۷۸	۳۷۸
مشارکت و همبستگی	همبستگی												۱	۴۵۵.**
	Sig. (۲-tailed)													۰
	N													۳۷۸
مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز	همبستگی													۱

در مقابل هر سازه عدد و اعتبار آن نوشته شده است در این مورد اعداد بالا تر از ۰.۷ بیانگر اعتبار ترکیبی سازه ها می‌باشد. مقادیر استخراج شده AVE مربوط به سازه هاست. مقادیر قابل قبول بیانگر اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است. مقدار بالاتر از ۰.۵ قابل قبول می باشد.

جدول(۲): سازه‌های مورد مطالعه

	Cronbach's Alpha	rho_A	Composite Reliability	Average Variance Extracted (AVE)
افزایش آگاهی جامعه محلی	۰.۸۴	۰.۸۴	۰.۸۹۳	۰.۶۷۶
امنیت و رفاه اجتماعی	۰.۹۴۱	۰.۹۴۱	۰.۹۴۸	۰.۶۰۵
بیگانگی اجتماعی	۰.۷۳۸	۰.۷۳۸	۰.۸۸۴	۰.۷۹۲
تقدیر گرایی	۰.۸۵۳	۰.۸۵۳	۰.۹۰۱	۰.۶۹۴

	Cronbach's Alpha	rho_A	Composite Reliability	Average Variance Extracted (AVE)
توسعه امکانات و خدمات	۰.۹۱۵	۰.۹۱۶	۰.۹۳۱	۰.۶۲۸
توسعه پایداری اجتماعی	۰.۹۸۲	۰.۹۸۲	۰.۹۸۳	۰.۵۸۶
رضایت جامعه محلی	۰.۸۱۶	۰.۸۱۶	۰.۸۹۱	۰.۷۳۱
عدم آینده نگری	۰.۸۴۳	۰.۸۴۳	۰.۸۹۴	۰.۶۷۹
عدم سرزنش فقر	۰.۸۰۲	۰.۸۰۲	۰.۸۸۳	۰.۷۱۶
فرهنگ فقر	۰.۹۵۳	۰.۹۵۳	۰.۹۵۸	۰.۶۰۵
فرهنگ و سنن	۰.۹۱۳	۰.۹۱۳	۰.۹۲۹	۰.۶۲۱
مشارکت و همبستگی	۰.۸۷۵	۰.۸۷۵	۰.۹۰۹	۰.۶۶۶
مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز	۰.۷۴۷	۰.۷۴۷	۰.۸۸۸	۰.۷۹۸

جدول (۳) پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق را نشان می دهد که همگی بالای ۰/۷ هستند.

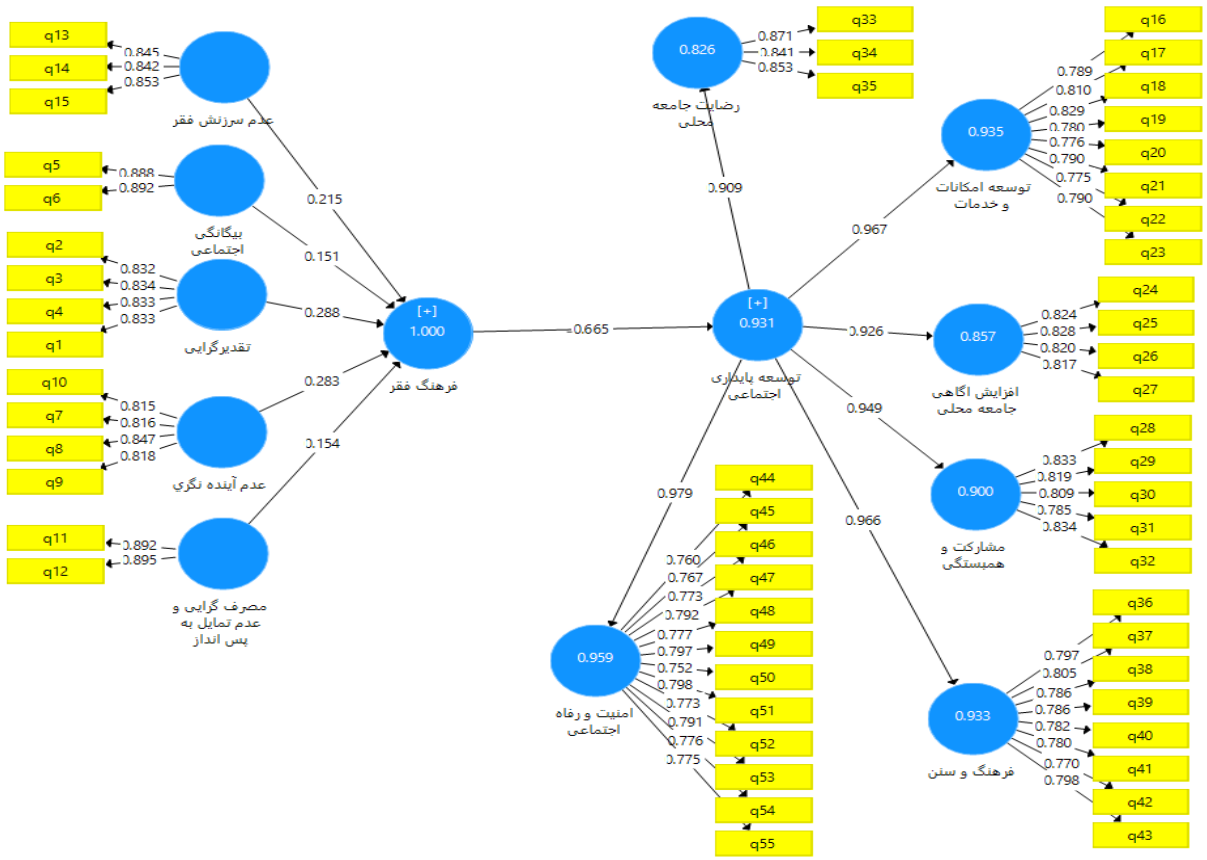
جدول(۳): مقادیر پایایی

	Cronbach's Alpha	Composite Reliability
افزایش اگاهی جامعه محلی	۰.۸۴	۰.۸۹۳
امنیت و رفاه اجتماعی	۰.۹۴۱	۰.۹۴۸
بیگانگی اجتماعی	۰.۷۳۸	۰.۸۸۴
تقدیرگرایی	۰.۸۵۳	۰.۹۰۱
توسعه امکانات و خدمات	۰.۹۱۵	۰.۹۳۱
توسعه پایداری اجتماعی	۰.۹۸۲	۰.۹۸۳
رضایت جامعه محلی	۰.۸۱۶	۰.۸۹۱
عدم آینده نگری	۰.۸۴۳	۰.۸۹۴
عدم سرزنش فقر	۰.۸۰۲	۰.۸۸۳
فرهنگ فقر	۰.۹۵۳	۰.۹۵۸
فرهنگ و سنن	۰.۹۱۳	۰.۹۲۹
مشارکت و همبستگی	۰.۸۷۵	۰.۹۰۹
مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز	۰.۷۴۷	۰.۸۸۸

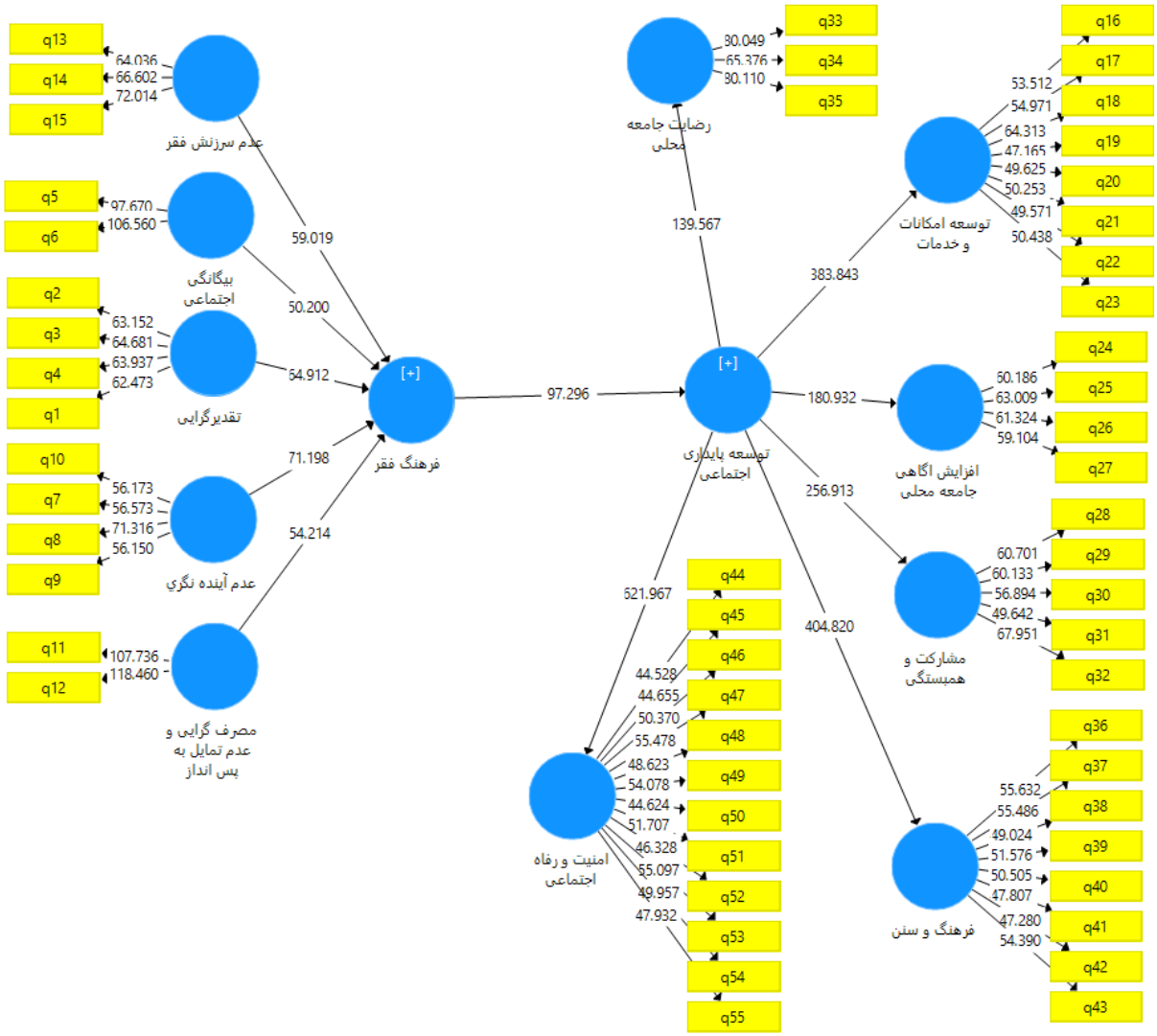
جدول (۴) این ماتریس را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، روایی واگرای مدل قابل قبول است.

جدول(۴): روایی واگرا (روش فورنل و لارکر)

		c1	c2	c3	c4	c5	c6	c7	c8	c9	c10	c11	c12	c13
c1	افزایش اگاهی جامعه محلی	۰.۷۶												
c2	امنیت و رفاه اجتماعی	۰.۴۰۸	۰.۷۴											
c3	بیگانگی اجتماعی	۰.۳۰۲	۰.۵۵۴	۰.۷۵										
c4	تقدیرگرایی	۰.۵۸	۰.۵۸	۰.۶۷	۰.۷۱									
c5	توسعه امکانات و خدمات	۰.۵۶	۰.۴۳۹	۰.۴۵۴	۰.۵۶	۰.۷۷								
c6	توسعه پایداری اجتماعی	۰.۵۴	۰.۴۳	۰.۳	۰.۳۶	۰.۵	۰.۷۶							
c7	رضایت جامعه محلی	۰.۲۲	۰.۲۳	۰.۳۳	۰.۴۸	۰.۴۲	۰.۵۹	۰.۷۹						
c8	عدم آینده نگری	۰.۵۶	۰.۴۵	۰.۴۷	۰.۳۵	۰.۲۸	۰.۳۲	۰.۲۴	۰.۷۳					
c9	عدم سرزنش فقر	۰.۴۴	۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۲۳	۰.۳۹	۰.۳۶	۰.۳۳	۰.۲۵	۰.۷۴				
c10	فرهنگ فقر	۰.۴۲	۰.۴۹۴	۰.۵۵۸	۰.۵	۰.۳۳۳	۰.۴۳۴	۰.۴۸۱	۰.۴۵۱	۰.۳۶۴	۰.۸۴			
c11	فرهنگ و سنن	۰.۴۱	۰.۳۸	۰.۴۹	۰.۵۱	۰.۵	۰.۴۹	۰.۳۲	۰.۴۴	۰.۴۲	۰.۳۴۳	۰.۷۶		
c12	مشارکت و همبستگی	۰.۵۷	۰.۴۴	۰.۵۷	۰.۵۲	۰.۵۸	۰.۵۷	۰.۴۵	۰.۳۱	۰.۳۹	۰.۵	۰.۴۷	۰.۷۵	
c13	مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز	۰.۳۴۱	۰.۵۲	۰.۴۶۳	۰.۴۵۴	۰.۵۲	۰.۴۸	۰.۶۲	۰.۷۳	۰.۳۲۵	۰.۴۵۴	۰.۴۴۱	۰.۵	۰.۸۳



شکل(۱): ضرایب استاندارد آزمون فرضیه ها



شکل(۲): ضرایب معناداری آزمون فرضیه ها

جدول(۵): نتیجه ازمون فرضیه ها

	ضریب مسیر	T Statistics (|O/STDEV|)	P Values	وضعیت فرضیه
فرهنگ فقر -> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۶۶۵	۹۷.۲۹۶	۰	تایید
بیگانگی اجتماعی -> فرهنگ فقر -> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۱۴۶	۵۰.۰۱۴	۰	تایید
تقدیرگرایی -> فرهنگ فقر -> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۲۷۸	۶۳.۶۸	۰	تایید
عدم آینده نگری -> فرهنگ فقر -> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۲۷۳	۷۱.۱۰۹	۰	تایید
عدم سرزنش فقر -> فرهنگ فقر-> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۲۰۸	۵۸.۱۱۹	۰	تایید
مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز -> فرهنگ فقر-> توسعه پایداری اجتماعی	-۰.۱۴۹	۵۴.۳۹۶	۰	تایید

بحث و نتیجه گیری

فقر نه صرفا یک مسأله اقتصادی، بلکه پدیده‌ای چندبعدی است که با سیاست‌گذاری، ساختار قدرت، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی ارتباطی تنگاتنگ دارد. جامعه‌ای که بخش گسترده‌ای از شهروندانش در شرایط معیشتی بحرانی زندگی می‌کنند، عملا از چرخه توسعه پایدار خارج می‌شود، زیرا فقر به‌تدریج ظرفیت‌های انسانی، اخلاقی و نهادی را فرسایش می‌دهد و انسجام اجتماعی را از بین می‌برد. در جامعه‌ای که رشد اقتصادی با نابرابری توأم است، شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی موجب کاهش مشارکت‌سیاسی و بی‌اعتمادی نسبت به دولت و نهادهای رسمی می‌شود این وضعیت نه تنها مشروعیت ساختار سیاسی را تضعیف می‌کند، بلکه هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه را با مقاومت اجتماعی مواجه می‌سازد. در واقع، توسعه مستلزم ثبات، امنیت و مشارکت عمومی است و این عناصر در فضایی که فقر گسترده وجود دارد، به سختی شکل می‌گیرند و توسعه پایدار اجتماعی را با چالش های جدی مواجه می کند.

همان گونه که ذکر شد هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در بین خانوارهای شهری سنین(۳۰-۵۰ سال) شهر کهنوج در سال ۱۴۰۴ بود.

نتایج آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان داد که: با توجه به نتایج به دست آمده در فصل ۴ همین پژوهش، تأیید می‌شود که فرهنگ فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی‌داری دارد. این نتایج با یافته‌های بساطیان (۱۳۹۰) همسو است؛ یافته‌هایی که نشان داد حدود ۸۰ درصد نمونه‌ی مورد مطالعه به میزان متوسط و زیادی از فرهنگ فقر رنج می‌برند. براساس یافته های تبیینی این تحقیق همبستگی معناداری بین فرهنگ فقر با سرمایهٔ فرهنگی، میزان دین داری و محل سکونت در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. ضمن اینکه بین این متغیر و میزان استفاده از رسانه های جمعی همبستگی معناداری مشاهده نشد. و با یافته‌های پروین و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند عناصر خرده‌فرهنگ غربتی‌ها مواردی هم‌چون فقر و ارزشمندی فقر، هیجان‌خواهی و لذت‌جویی، بی‌توجهی به قانون، این‌جا و اکنون بودن و عدم تمایل به آینده‌نگری، مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیهٔ شهروندی را شامل می‌شود. همچنین این خرده‌فرهنگ فقر با شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی در بین افراد غربتی نظیر اعتیاد، خشونت، قماربازی و خرید و فروش مواد ارتباط دارد. و با یافته های پارسازاده و خوش قامت (۱۳۹۵) که نشان دادند بین محرومیت نسبی و امنیت اجتماعی رابطه وجود داشته و با امکان ارتقای پایگاه اجتماعی افراد میزان کنش‌های اعتراضی آنان نیز افزایش می‌یابد، همچنین، با افزایش مدت سکونت در مناطق حاشیه‌نشین احتمال بروز رفتارهای مخل امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. لیکن فرهنگ فقر و احساس ازخودبیگانگی ارتباط معنادار با امنیت اجتماعی ندارد. همخوان و همسو می باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت از جمله پدیده‌هایی که پس از بروز فقر در طولانی مدت در جامعه ظاهر می‌شود نوعی خاص از زندگی است که به‌صورت الگو در جامعه پدیدار می‌شود. فقر در طولانی‌مدت قدرت خلق فرهنگی را دارد که مدت ها پس از فقر باقی می‌ماند و در جامعه حیات پیدا می‌کند و خلاصی از آن بسیار مشکل است. فرهنگ فقر، نوع و منش

زندگی را متناسب با وضعیت خانواده‌های فقیر و فقرا تغییر می‌دهد. در حقیقت وقتی خانواده‌ای خود را با فقر درگیر می‌یابد، ناچار است نوع زندگی خود را تا حد زیادی با شرایط فقر هماهنگ کند. این هماهنگی به مرور زمان به‌صورت عرف و عادت درآمده و برای حذف یا کاهش آن در جامعه تلاش بسیاری لازم است و به شدت زمان را می‌کشد و توسعه پایدار اجتماعی را با چالش های زیادی مواجه می کند.

نتایج آزمون فرضیه فرعی۱ تحقیق نشان داد: تقدیرگرایی بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد. این نتایج با یافته‌های خسروانی و همکاران (۱۳۹۸) که نشان دادند بر اساس تکنیک topsis، رتبه فقر شهری بدست آمده برای محله ی فوتبال برابر با ۰.۰۹۵۳۸ محله چشمه موشک برابر با ۰.۰۶۲۰۶ و برای محله باغ خلج ۰.۰۶۰۳۱می باشد. و همچنین که اکثر بلوک های این محله ها به لحاظ فقر شهری و فرهنگ فقر در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که فقر شهری ساکنان، ارتباط معنادار مستقیمی با سطح فرهنگ فقر در میان آنها دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر مستقل، با توجه به ۰/۰۰۰ بودن sig، به طور معناداری متغیر وابسته را پیش بینی می کنند و اثر فقر شهری بر فرهنگ فقر معنی دار است. و با یافته‌های عباسی و کاروانی (۱۳۹۹) که نشان داد شاخص فرهنگ فقر با جرم سرقت، تخریب اموال، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، آدم‌ربایی و جرائم منافی عفت رابطهٔ معنادار منفی داشته و شدت این رابطه به ترتیب برای سرقت ۱۸۱/ ۰-، تخریب اموال ۲۲۱/ ۰-، مصرف مواد مخدر ۱۷۴/ ۰-، نزاع و درگیری ۲۰۵/ ۰-، آدم‌ربایی ۱۸۶/ ۰ و جرائم منافی عفت برابر با ۱۲۲/ ۰- بود. نتیجه‌گیری: میزان ارتکاب جرائم مورد بررسی در افراد واجد فرهنگ فقر نسبت به افراد فاقد این فرهنگ، بیش‌تر است و ارتکاب جرم از سوی افراد دارای فرهنگ فقر، حتما نشان‌دهندهٔ فقر آن‌ها نیست، بلکه این نگرش، در افراد حاشیه‌نشین محسوس‌تر است. همخوان و همسو می باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت شخص فقیر در مقایسه با دیگران کمتر عمر می‌کند، اغلب بیمار است و معمولاً بر اثر فقر و کمبود مواد غذایی و وسایل بهداشتی به نواقص فکری و جسمی دچار می‌شود و با بحران‌های شخصیتی بیشتری روبروست. او دارای تحصیلات کمتر، موفقیت و پیشرفت کمتر و خطرات بیشتری در جامعه است. فقر ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی و سلامت روانی را نیز در اقشار مبتلا به خطر می‌اندازد، موجب افزایش میزان مرگ و میر خصوصاً در نوزادان و کودکان و مادران و کاهش نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری می‌شود

نتایج آزمون فرضیه فرعی۲ تحقیق نشان داد: بیگانگی اجتماعی بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد. این نتایج با یافته‌های دپوتری و سیام کاسافی (۲۰۲۳) که نشان دادند متغیرهایی که تأثیر معناداری بر شکل‌گیری فقر فرهنگی دارند، متغیرهای جنسیت، سن، شغل، تحصیلات، جنبه‌های رضایت شغلی و درآمد، و متغیرهای تمایل به شرایط اقتصادی بهتر هستند. فقرا بر اساس فقر فرهنگی به سه خوشه تقسیم می‌شوند: الف) خوشه ۱، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان کمک و حمایت اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند؛ ب) خوشه ۲، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان

برنامه‌های توانمندسازی جامعه طبقه‌بندی می‌شوند؛ ج) خوشه ۳، گروه‌هایی که به عنوان دریافت‌کنندگان برنامه‌های توانمندسازی کسب و کارهای خرد و کوچک طبقه‌بندی می‌شوند. در تلاش برای کاهش فقر فرهنگی، لازم است برنامه‌های مختلف کاهش فقر بر اساس خوشه‌ها انجام شود. و با یافته های لی و همکاران (۲۰۲۴) که نشان دادند مداخلات طراحی هدفمند، به ویژه آن‌هایی که از منابع بامبوی محلی استفاده می‌کنند، منجر به افزایش قابل توجه درآمد سرانه سالانه خانواده‌های شناسایی شده تقریباً ۱۷۶.۳۲٪، از ۳۱۴۶ یوان (تقریباً ۴۳۱ دلار آمریکا) به ۸۷۰۰ یوان (تقریباً ۱۱۹۲ دلار آمریکا) شده است. این رویکرد مبتنی بر طراحی، به طور مؤثر آگاهی نوآوری کشاورزان فقیر را تحریک کرده و نقش حیاتی استراتژی‌های طراحی پایدار را در تطبیق بهینه منابع با نیازهای فقرا نشان می‌دهد. و با یافته های ارهارد (۲۰۲۴) که نشان داد فقر را نباید به عنوان یک خرده فرهنگ خودانزوایی درک کرد. در عوض، افراد در فقر به شدت به طبقه متوسط غالب و مدل‌های زندگی آن گرایش دارند، همخوان و همسو می باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت در زمان تشدید فشارهای اقتصادی ناشی از عوامل گوناگون، این استعداد بالقوه جامعه بشری به سرعت در اثر عوامل ایجادکننده و تقویت‌کننده‌اش بروز می‌کند. اقشار پایین جامعه را تحت تأثیر قرارمی‌دهد و خلاصی از آن بسیار مشکل است. بروز فقر به آرامی از سطوح پایین جامعه آغاز و به سرعت بخش وسیعی از اقشار متوسط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که غالباً عمده‌ترین شکل فقر اقتصادی است و بیماری ناشی از فقر و ضعف اقتصادی در همه ابعاد گسترده می‌شود، جبران عقب‌ماندگی اقتصادی بسیار مشکل، وقت‌گیر، سرمایه‌بر و مستلزم دانش پیشرفته و احاطه دقیق بر جامعه و مسائل و مشکلات آن می‌باشد و داده‌های آماری بسیار دقیقی را جهت ارزیابی و سنجش مناسب می‌طلبد و در جوامع پیشرفت ننموده (به اصطلاح جهان سوم) و کشورهای در حال پیشرفت به دلیل فقدان سرمایه کافی و علم و دانش مناسب، بررسی فقر مشکل‌تر می‌شود که این امر باعث عدم توسعه پایدار اجتماعی در جوامع می گردد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی۳ تحقیق نشان داد: عدم آینده نگری بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد.این نتایج با یافته‌های امینی و همکاران (۲۰۲۴)که نشان دادند عوامل فرهنگی به طور قابل توجهی بر توسعه نیافتگی شهر بشاگرد تأثیر می‌گذارند، همانطور که نتایج آزمون t نشان می‌دهد، اهمیت فرهنگ در توسعه پایدار و ارتقای عدالت اجتماعی به اندازه کافی قابل تأکید نیست (۸.۰۹). این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که فرهنگ عامل کلیدی در پیشرفت هر جامعه‌ای است. نادیده گرفتن یا دست کم گرفتن این عنصر اساسی می‌تواند منجر به شکست تمام تلاش‌های توسعه‌ای شود. و با یافته های ژانگ و همکاران (۲۰۲۰) که نشان دادند برخی مشکلات در روستا وجود دارد که باعث کاهش فقر فرهنگی می شوند، مانند سطح پایین آموزش، پدیده جدی فرهنگ فقر، توسعه ناکافی منابع فرهنگی خاص محلی و ساخت ناقص تمدن معنوی، همخوان و همسو می باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت شخص فقیر در جامعه، مسائل، مشکلات و حساسیت‌های ویژه خود را دارد و واکنش‌های خاصی را ارائه می‌دهد، در محیطی که فقر گسترده می‌شود و بیماریهای روانی، اعتیاد، طلاق، کودکان خیابانی، خودکشی و سرقت و قتل و مرگ و میر افزون می‌گردد. در

سطوح بالای جامعه نیز در اثر عدم اطمینان، سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد و میزان درآمد افراد و در نتیجه مخارج جامعه نیز کاهش می‌یابد و اقتصاد را متأثر می‌نماید. در بخش‌های علمی و فرهنگی سبب تنش و نگرانی می‌گردد و در سطوح پایین مانند کارگران و کارمندان که در فضای خط فقر با نگرانی زندگی می‌کنند و مادام به بالا و پایین خط فقر حرکت می‌کنند؛ که به کارکرد مفیدشان ضربه می‌زند و فساد در ادارات مانند رشوه، اختلاس و ... افزون می‌گردد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی۴ تحقیق نشان داد: مصرف گرایی و عدم تمایل به پس انداز بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد. این نتایج با یافته‌های رحمانی لشگری همکاران (۱۴۰۳) که نشان دادند مشارکت اجتماعی شهروندان در محلات با ضریب (بتا) ۰/۷۳۲ بر توسعه پایدار اجتماعی این محلات تاثیر مثبت دارد و رابطه این دو متغیر با هم معنادار می‌باشد. به‌عبارتی دیگر با تقویت مشارکت اجتماعی توسعه پایدار اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. و متغیرهای حس تعلق به مکان، رضایت از محله، مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای و اعتماد نیز بر متغیر مشارکت اجتماعی در محلات اثرگذاری مثبتی دارند. و با یافته های طهماسب نیا و دهقان منگابادی (۱۴۰۳) که نشان دادند می‌توان شاخص‌های شناسایی‌شده را در گروه‌هایی شامل شاخص‌های کالبدی، ایمنی و امنیت، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دسته‌بندی نمود. و همچنین با یافته های قاسمی گیلوائی و قربانی پارام (۱۴۰۴) که نشان دادند به واسطه ازدیاد جمعیت، بلندمرتبه‌سازی شکل گرفت و به واسطه آن، مسائلی همچون استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و سوخت فسیلی، تخریب طبیعت، کاهش تعاملات اجتماعی، تغییر اقلیم، ایجاد ترافیک، افزایش آلودگی هوا و غیره، به بحرانی عظیم و لاینحل تبدیل گشته است، همخوان و همسو می باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت پس از گذر از فقر و بهبود وضعیت مالی خانواده و اقتصاد جامعه، افرادی که در محیط فقر زندگی کرده‌اند و با خلق و خوی جامعه‌ی فقر انس گرفته‌اند، به‌راحتی و به آسانی تغییر رویه نمی‌دهند. به‌عنوان مثال: کودکانی که مدتها و به کرّات با لباس کثیف و کهنه و... در میان خاک‌های کوچه‌ها با همسالان خود بازی کرده‌اند، تغییر در روش زندگی خود را نمی‌پذیرند و به راحتی قدم در مدرسه نمی‌گذارند و پای درس معلّم نمی‌نشینند. کارمندان ادارات در اثر مشکلات اقتصادی با نگرانی در محل کار خود حاضر می‌شوند. بازده کاری آنها کاهش یافته و حتی در بعضی موارد سعی در جبران کاستی‌ها با روش های غیرقانونی می‌نمایند و یا به دنبال کار دوم می‌گردند که یافت نمی‌شود. مصرف در جامعه از حالت بهینه خارج می‌شود؛ الگوی مصرف اشتباه، تصحیح نمی‌شود. در این شرایط افراد نگران از بازگشت به فقر در وضعی به مراتب سخت‌تر و خطرناک‌تر از سطح فقر زندگی می‌کنند که این امر نیز می تواند تا حد بسیار زیادی بر توسعه پایدار اجتماعی جوامع نیز تأثیرگذار باشد.

نتایج آزمون فرضیه فرعی۵ تحقیق نشان داد: عدم سرزنش فقر بر توسعه پایدار اجتماعی در شهر کهنوج تأثیر معنی داری دارد. این نتایج با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۴۰۱) که تحقیق نشان داد با وجود وضعیت دشوار و کیفیت نامطلوب زندگی این دسته از زنان، کمکهای مالی و حمایتی نهادهای رسمی حتی در سطوحی پایین در کنار کمکهای مردمی

نقش مهمی در زندگی آنها دارند اما نکته مهم این است که این حمایتهای رسمی و غیررسمی در بسیاری از موارد تنها به حفظ وضعیت موجودشان کمک کرده و به‌ندرت سبب توانمندی آنها شده است. بحث: حمایتهای رسمی و غیررسمی، تنها بقای وضعیت کنونی این زنان را تضمین می‌کند. برای اصلاحات سازنده و تأثیرگذار، به نظر می‌رسد در کنار برون‌رفت از تعاملاتی با کیفیت حاشیه‌ای در جامعه مورد مطالعه و رهایی از ارزش های مردسالارانه و فضای فرهنگی و روانی ویژه آن، هدایت حمایت ها به‌ویژه در حوزه اشتغال آنان، بسیار مؤثرتر باشد. و با یافته های رضایی و همکاران (۱۴۰۳) که نشان دادند پنج مؤلفهٔ اصلی فرهنگ فقر استخراج شدند که عبارت اند از: نابسامانی اقتصادی، تعلق محلی، بی‌تفاوتی خانوادگی، بی‌تفاوتی اجتماعی و ناامیدی؛ همخوان و همسو می‌باشد. در این راستا می‌توان بیان داشت بی‌سوادی عامل اصلی عدم کسب مهارت و بی‌تخصصی است و لذا بیکاری در بین آنها رایج است. رشد مصرف و قاچاق مواد مخدر، سرقت، نزاع، عقب‌ماندگی ذهنی، بیماری‌های روانی، فشارهای فراوان اجتماعی و اقتصادی و ناتوانی در ادامه و کنترل صحیح عواطف، پرخاشگری و... نشانه‌های معمول جامعه فقیر است. و برای ریشه کن کردن فقر در جامعه باید به توسعه پایدار اجتماعی جوامع پرداخت و آن را تقویت کرد.

یکی از موانع جدی که حین توزیع و جمع آوری پرسشنامه‌ها ملاحظه شد امتناع برخی از ساکنین شهر کهنوج از تکمیل پرسشنامه‌ها بود. البته هرچند بسیاری از این افراد کمبود وقت را دلیل عدم همکاری خود معرفی می‌کردند و محقق نیز در برخی از این موارد به این مسئله اذعان دارد. محدودیت بعدی این تحقیق در مورد قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق می‌باشد با توجه به اینکه این تحقیق تنها در بین خانوارهای شهری سنین (۳۰-۵۰ سال) شهر کهنوج صورت گرفته امکان تعمیم نتایج به سایر شهرها و مناطق و سنین وجود ندارد. باتوجه به نتایج بدست آمده از تحقیق پیشنهاد می‌گردد به جهت ریشه کن کردن فقر فرهنگی و توسعه پایدار اجتماعی به تقویت بنیاد خانواده به عنوان نهاد اجتماعی پایه، تحکیم هویت ملی و فرهنگی، مدیریت هوشمندانه فضای مجازی، آموزش مهارت های زندگی و ارزش‌های اجتماعی به نسل جوان پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد مدیران شهری از طریق ایجاد برنامه های متنوع و عملیاتی به ترویج فرهنگ مصرف گرایی، توجه به پس انداز و آینده نگری جمعی، آموزش‌های مالی در مدارس و دانشگاه‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای عموم مردم و ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای آموزش مدیریت مالی باشد. تقویت فرهنگ مدیریت‌مالی و مدیریت درآمد و هزینه‌های خانواده در سطوح مختلف دستورالعمل‌های خاصی را تدوین و اجرایی کنند.

منابع

آذری، ز.، بهبودی، د.، و محمدزاده، پ. (۱۴۰۳). نگاه پویایی‌شناسانه به عوامل موجد فقر در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۴(۴)، ۱۳۱-۱۶۰.

احمدی، س.، صفاری‌نیا، م.، و امیرمظاهری، ا. م. (۱۴۰۱). تحلیل روایت فرهنگ فقر در بین زنان سرپرست خانواده در منطقه ۱۹ شهر تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۸۷)، ۱۴۹-۱۸۲.

اکبری، ح.، و لطفی خاچکی، ط. (۱۴۰۳). فراتر از فقر؛ تحلیل جامعه‌شناختی داغ فقر و استراتژی‌های مواجهه با آن در میان افراد کم‌برخوردار شهری. *فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۳(۱)، ۲۶۵-۲۸۶.

باهران، س. (۱۴۰۴). تجارت بین‌الملل؛ توانمندسازی بانوان و گروه‌های آسیب‌پذیر در فرآیند توسعه. *فصلنامه گنجینه سما*، (۵۸)، ۲۶-۲۷.

بساطیان، س. م. (۱۳۹۰). بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان). *مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۲)، ۷-۳۲.

پارسازاده، ن.، و خوش‌قامت، م. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی رابطهٔ حاشیه‌نشینی، فرهنگ فقر و امنیت اجتماعی در نقاط شهری ایران (مورد مطالعه: شهر همدان). *فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس*، (۱۱)، ۵۵-۷۹.

پروین، س.، و درویشی‌فرد، ع. ا. (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعهٔ موردی محلهٔ هرندی). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۲۳)، ۵۱-۹۰.

جباری، ا.، اعظمی، ن.، و حیدری، ن. (۱۴۰۳). بررسی اثر شاخص‌های مالی بر فقر در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته منتخب. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی*، ۶(۲۱)، ۱۲۴-۱۳۹.

جلیلیان، س.، نصراللهی، ز.، حاج امینی نجف‌آبادی، م.، و مکیان، س. ن. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر تخلیه منابع طبیعی بر فقر و رشد اقتصادی و نابرابری در ایران. *فصلنامه توسعه و سرمایه*، ۱۰(۲)، ۱۶۹-۱۹۴.

حسین‌زاده یزدی، م.، و ملاباشی، س. م. (۱۴۰۲). روش‌شناسی پارادایمیک مقالات اثباتی فقر در ایران. *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۴(۱)، ۶-۲۴.

خسروانی، ع.، محسنی، ر. ع.، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۹۸). رابطه فقر شهری با فرهنگ فقر در محله‌های فرودست شهر اراک. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۷۲)، ۲۸۳-۳۲۱.

رحمانی لشگری، م.، رجبی، آ.، ولی شریعت‌پناهی، م.، و استعلاجی، ع. (۱۴۰۳). تحلیلی بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محلات (مطالعه موردی: محلات منطقه ۸ شهر تهران). *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، (۷۲)، ۹۹-۱۱۴.

رستگار، حمیدرضا. (۱۴۰۵). بررسی نقش اصناف در بازتوزیع ثروت با رویکرد اشتغال و رشد توسعه پایدار. *پانزدهمین همایش ملی تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی*، ۳۱۷-۳۳۲.

رضایی، ا.، کاظمی‌پور ثابت، ش.، و ادهمی، ع. (۱۴۰۳). مسئله‌شناسی فرهنگ فقر زنان در شهر کرمانشاه. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، (۶۴)، ۴۵-۶۱.

زندی، ف.، و وطن‌پرست، ر. (۱۴۰۳). تحلیل و شناخت عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر و نابرابری. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۷(۹۶)، ۴۵-۵۶.

شکوهی‌فرد، س.، ابوالحسنی، ا.، و سلمانپور زنوز، ع. (۱۴۰۲). سنجش فقر در مناطق شهری و روستایی (مطالعه موردی: آذربایجان غربی). *فصلنامه مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۷(۱)، ۱۷۱-۱۹۰.

صداقت، ح. (۱۴۰۴). طراحی مدل دانشگاه سبز مبتنی بر توسعه پایدار اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی. *فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش*، (۲۵)، ۳۰۹-۳۲۸.

طهماسب‌نیا، ز.، و دهقان منگابادی، ا. (۱۴۰۳). تبیین شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه پایدار اجتماعی با تأکید بر رویکرد خیابان‌های کامل. *فصلنامه توسعه پایدار شهری*، (۱۶)، ۱-۲۰.

عباسی، م.، و کاروانی، ع. (۱۳۹۹). رابطهٔ بین فرهنگ فقر و جرم در مناطق حاشیه‌نشین. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۵(۱)، ۲۶-۹.

عبدشاهی، ع. ا. (۱۴۰۵). چشم‌انداز توسعهٔ خرم‌آباد: از چالش‌های کنونی تا راهبردهای آینده. *فصلنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، (۲۵)، ۱۵-۴.

عطائی کاریزی، ع.، حسن‌زاده لاله، ه.، مهدوی‌فر، آ.، و جهانگیریان، س. م. (۱۴۰۵). بررسی نقش دانش شهروندی و حکمرانی خوب شهری بر توسعه پایدار (مورد مطالعه: شهروندان و شهرداری‌های شهر مشهد). *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای هنر و علوم انسانی*، (۲۹)، ۱۳-۲۶.

غداری، ب.، فروغی، ز.، و بشارتی‌فر، ص. (۱۴۰۵). سنجش میزان پایداری و تحلیل عوامل مؤثر بر دستیابی به توسعه پایدار در محلات شهری بندر ماهشهر. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، (۸۰)، ۱۸۱-۱۹۷.

فکور، م.، سرورزاده، س. ک.، خادمی، ب.، و عزیزی، ج. (۱۴۰۴). نظریه‌های کلاسیک و مدرن در آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی: یک بررسی تطبیقی. *فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، (۱۶)، ۲۰۳-۲۱۸.

قاسمی گیلوائی، و.، و قربانی پارام، ا. (۱۴۰۴). الگوی برج‌سازی مبتنی بر توسعه پایدار اجتماعی و اثرات آن بر حفظ محیط زیست شهری تهران. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، (۷۶)، ۴۰۹-۴۱۹.

ملکشاهی، م.، نادمی، ی.، آسایش، ح.، و حسنوند، د. (۱۴۰۴). تأثیر رشد بخشی و توسعه مالی بر فقر با استفاده از رویکرد ARDL (مورد مطالعه: استان لرستان). *فصلنامه اقتصاد مالی*، (۷۰)، ۱۳۳-۱۵۶.

منصوری، س. ا. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر تحریم‌ها بر رابطه علی بین فساد، نابرابری درآمدی و فقر در ایران. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۲۱(۱)، ۱۷۱-۲۰۱.

موسوی، س. م.، پاسالارزاده، ح.، و جعفری‌نیا، غ. (۱۴۰۳). بررسی جامعه‌شناختی نقش رسانه‌ها در بازنمایی آثار فقر در جامعه و جذب خیرین. *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۸(۴)، ۱۱۸-۱۵۸.

Amini, A., Jafarinia, G., Ghalehteimouri, K. J., & Gorgin, B. (2024). A sustainable social development model based on cultural barriers. *Indonesian Journal of Social Research (IJSR)*, 6(3), 266–285.

Balasubramanian, P., Burchi, F., & Malerba, D. (2022). Does economic growth reduce multidimensional poverty? Evidence from low and middle-income countries. *World Development*, 161, Article 106119.

Bashokouh Ajirloo, M., & Azarbayejani, M. (2023). Compilation and design of sustainable marketing development model in knowledge-based export companies. *Journal of International Business Administration*, 6(2), 75–92.

Dwiputri, I. N., & Syam Kusufi, M. (2023). Strategies for reducing cultural poverty. *PICEEBA, AEBMR*, 250, 163–172.

Erhard, F. (2024). Culture and poverty from a lifeworld stance: Rehabilitating a controversial conceptual pair. *American Journal of Cultural Sociology*, 12, 1–24.

Gencer, G., Atay, H., Gurdogan, A., & Colakoglu, U. (2023). The relationship between organizational culture, organizational silence and job performance in hotels: The case of Kuşadasi. *Journal of Hospitality and Tourism Insights*, 6(1), 70–89.

Gourani, S. (2024). *Pain and suffering are crucial for your growth and success*. Forbes. https://www.forbes.com/sites/soulaimagourani/

Hu, X., Jiang, W., Wan, G., & Zhang, J. (2022). The welfare (inequality and growth) effects of urbanization: Empirical evidence from China. *Hacienda Pública Española / Review of Public Economics*, 243, 1–31.

Li, H., Shi, L., & Wen, K.-H. (2024). Design-driven sustainable poverty alleviation: A case study of precise identification and resource optimization in rural areas. *Sustainability*, 16(21), Article 9380.

Mirzahossein, H., Rassafi, A. A., Jamali, Z., Guzik, R., Severino, A., & Arena, F. (2022). Active transport network design based on transit-oriented development and complete street approach, finding the potential in Qazvin. *Infrastructures*, 7(2), Article 23.

Montella, A., Chiaradonna, S., Mihiel, A. C. D. S., Lovegrove, G., Nunziante, P., & Rella Riccardi, M. (2022). Sustainable complete streets design criteria and case study in Naples, Italy. *Sustainability*, 14(20), 131–142.

Naseer, M. M., Hunjra, A. I., Palma, A., & Bagh, T. (2025). Sustainable development goals and environmental performance: Exploring the contribution of governance, energy, and growth. *Research in International Business and Finance*, 73(Part B), Article 102646.

Sabil, S., Jenita, J., Sari, A. R., Lazoo, F. C., Sunariyanto, S., & Wijayanto, G. (2022). Human resources performance management and organizational culture development in improving creative economics in the tourism sector. *Multicultural Education*, 8(3), 1–12.

Shittu, W., Adedoyin, F. F., Shah, M. I., & Musibau, H. O. (2021). An investigation of the nexus between natural resources, environmental performance, energy security and environmental degradation: Evidence from Asia. *Resources Policy*, 73, Article 102227.

Skare, M., Qian, Y., Xu, Z., & Gou, X. (2024). Energy justice and gaps in sustainable development: A convergence testing and clustering study. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 192, Article 114172.

Xiao, H., Liang, X., Chen, C., & Xie, F. (2022). The impact of multidimensional poverty on rural households' health: From a perspective of social capital and family care. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(21), Article 14590.

Zhang, H., Yang, H., & Lan, Y. (2020). An investigation report on cultural poverty alleviation in ethnic minority areas—Taking the survey data from Changdou Village of Maoxian County as an example. *Open Journal of Social Sciences*, 8(5), 39–47.